

بررسی تطبیقی دیدگاه تفسیری وهابیون و قرآنیون شیعه، حول آیات شفاعت

فاطمه طهماسبی چاری^۱

چکیده

با وجود اعتقاد راسخ مسلمانان به «شفاعت» اولیاء الله از گناهکاران در قیامت، قرآنیون شیعه و وهابیون اهل سنت، سعی در متزلزل نمودن این اعتقاد کردند که این ضرورت را ایجاب نمود تا به مبانی فکری و تفسیری آنان توجه ویژه شود. ادعای آنها مبنی بر احیای توحید با استناد به آیات قرآن، اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌کند. هدف از این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی و طبق اسناد کتابخانه‌ای انجام شد، بررسی و تحلیل مبانی دو دیدگاه در تفسیر آیات شفاعت است. کثرت شباهتها نسبت به تفاوتها نشان داد که دلیل اصلی برداشتهای غلط، عدم تکیه بر روایات مفسران حقیقی قرآن بوده است. تفاوت این دو گروه این است که قرآنیون، حتی معنای لغوی «شفاعت» را انکار نمودند و در مقابل وهابیون به دلیل استناد به روایات پیامبر (ص)، شفاعت ایشان را در قیامت پذیرفته‌اند، اما هر دو طلب شفاعت از اولیا را شرک تلقی می‌نمایند.

کلید واژه‌ها: شفاعت، تفسیر، دیدگاه وهابیون، دیدگاه قرآنیون شیعی.

^۱ - طلبه سطح ۴، جامعۀ الزهراء(س)، رشته علوم و معارف قرآن، hgolzar95@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم کتاب انسان سازی و بزرگترین معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص) است که اعجاز آن در معارف بلند و فراگیر آن بوده و به تمام نیازمندیهای بشر از دنیوی و مادی تا اخروی و معنوی توجه دارد. اما دستیابی به این گنج نهفته در قرآن صامت، نیازمند به مراجعه همه جانبه به قرآن ناطق است که بر اساس حدیث ثقلین، ائمه اطهار (ع) مصداق آن می‌باشند. یکی از این معارف قرآنی که خداوند متعال با هدف سوق دادن بندگان به سوی کمال و زدودن زنگار از روح خدایی آنان، به آن اشاره فرموده، اصل شفاعت و توسل به انبیاء و اولیاء در قیامت برای نجات از دوزخ و یا ترفیع درجه‌ی بهشت است که از ارکان عقاید همهی مسلمانان می‌باشد. مفهوم «شفاعت» از جمله مفاهیم بنیادینی است که در طول زمان و بر اثر عوامل مختلف به گونه‌ای فهمیده شده که با مقصود آورنده پیام وحی فاصله زیادی پیدا کرده است و گوناگونی فهم از این مفهوم مهم قرآنی در میان مسلمانان، کار را به جایی رسانده که برخی عالمان دینی، اعتقاد به چنین اصلی را مغایر با نص صریح قرآن تصور کرده‌اند. وهابیون اهل سنت و قرآنیون شیعه از جمله گروههایی هستند که به دلیل محرومیت از معارف اهل بیت (ع)، دچار انحراف و کج فهمی در تفسیر آیات شفاعت شدند. برخورد این دو گروه با اصل «شفاعت»، این ضرورت را ایجاب نمود تا برداشت تفسیری آنها را مورد کنکاش قرار داده و ابعاد مبهم آن، جهت ارتقای سطح دانش در این زمینه روشن شود. پژوهش حاضر که به روش تحلیلی - کتابخانه‌ای انجام می‌شود، به دنبال بررسی تطبیقی دیدگاه تفسیری این دو گروه و نقد و تحلیل دیدگاههای فکری و کلامی آنها است تا به این پرسشها جواب دهد که چه تفاوتها و شباهتهایی بین برداشتهای تفسیری آنها راجع به آیات شفاعت، وجود دارد؟ و مبانی تفسیری آنها در تفسیر این آیات چیست؟

اهمیت بحث شفاعت باعث شد همواره دانشوران شیعه در رابطه با این موضوع، پژوهشهای فراوانی در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله انجام دهند، از جمله؛ ۱- کتاب «شفاعت» نوشته: بهشتی، سید محمد، چاپ: ۱۳۹۵ ش، شهید بهشتی در این کتاب با تجزیه و تحلیل دقیق مفهوم «شفاعت» در قرآن و روایات، سعی در تفهیم درست مسئله جهت پرهیز از افراط و تفریط رایج در آن می‌کند. ۲- مقاله: شفاعت از دیدگاه عقل و روایات، نوشته: غروی‌ان،

محسن، چاپ: ۱۳۷۱ ش، مجله علوم قرآن و حدیث، که نویسنده به ادله عقلی و نقلی جهت استدلال اینکه «شفاعت» یکی از روزنه‌های نجات بندگان در پیشگاه الهی است، استناد می‌کند. برخی از این تلاشهای علمی به نقد و بررسی دیدگاه گروههای مختلف مسلمانان از جمله وهابیون و قرآنیون حول مسئله شفاعت انجام شد. ۱- کتاب «دوازده نکته در بررسی و ارزیابی ادله توسل، شفاعت، تبرک و زیارت»، نوشته: نجار زادگان، فتح الله، چاپ: ۱۳۸۸ ش، نویسنده در این کتاب با توجه به عواملی که موجب تفرقه و ضعف مسلمانان شده، با تمرکز بر مواضع نزاع آنها به بررسی ادله حقانیت توسل، شفاعت، تبرک و زیارت، پرداخته و با استناد بر آیات و روایات و سیره صحابه و دانشمندان اهل سنت سعی در ردّ ادله حرمت این مفاهیم می‌کند. ۲- مقاله: «جستاری در شفاعت از منظر وهابیت»، نوشته: فولادی، محمد و درویش، محمد، معرفت ادیان، چاپ: ۱۳۹۱ ش، این مقاله با رویکرد نظری و تحلیل آثار وهابیت، به بحث شفاعت از نظر آنها پرداخته و مورد نقد و داوری قرار می‌دهد. ۳- مقاله: «تحلیل و بررسی مواجهه دوگانه مصطفی طباطبایی با موضوع شفاعت در قیامت»، نوشته: یزدانی، سید محمد؛ قزوینی، سید محمد؛ رضائزاد، عزالدین؛ طبسی، ادیان، مذاهب و عرفان، نشریه سلفی پژوهی، چاپ: ۱۴۰۱ ش، نویسندگان مقاله بعد از بررسی تمامی آثار طباطبایی به این نتیجه می‌رسند که وی دارای رویکردی دوگانه در مقایسه شفاعت اسلامی با دیدگاه مسیحیان و نیز تفاوت در معناشناسی مفهوم «شفیع» بوده و هر دو رویکرد او با آیات قرآن و روایات صحیح السند شیعی و سنی و نیز اجماع مسلمانان در تضاد است. ۴- مقاله: «تعبیر اشتباه قرآنیون از شفاعت»، چاپ: ۱۴۰۳ ش، پایگاه جامع فرق و ادیان و مذاهب، این مقاله به رد نظرات سید مصطفی طباطبایی از چهره‌های شاخص قرآنیون که در قرائتی نوین، به انکار شفاعت که مورد قبول مسلمانان است مبادرت کرده، می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که این نظریه ناشی از عدم درک صحیح حقیقت شفاعت است.

آنچه پژوهش پیش رو را از سایر تلاشهای علمی موجود در این حوزه مستثنا می‌کند این است که پژوهشگر در صدد بررسی تطبیقی دیدگاه تفسیری وهابیون و قرآنیون شیعه در مورد مسئله

شفاعت است که تا کنون چنین بررسی مقایسه‌ای بین نظرات تفسیری این دو فرقه صورت نگرفته است.

۱. کلیات و مفاهیم

۱.۱. شفاعت: تعریف لغوی شفاعت

واژه «شفاعت» مصدر ثلاثی مجرد از ریشه «شفع» به معنای «مقارنت دو شیء» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۰۱/۳) و نیز به معنای «ضمیمه کردن یک شیء به شیء دیگر» می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۵۷)

-تعریف اصطلاحی شفاعت: از نظر متکلمان شیعه، حقیقت شفاعت و فایده آن طلب برداشتن عقاب از کسی است که مستحق عقاب است، البته کلمه شفاعت مجازا در مورد درخواست رسیدن منافع به شخص نیز به کار می‌رود و در اینکه حقیقت شفاعت در مورد طلب برداشتن ضرر و عقاب و عذاب است هیچ اختلافی نیست. (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۱۵۰/۱؛ شیخ طوسی، بی تا: ۲۱۳/۱) و یا به عبارتی نوعی وساطت و میانجی‌گری در عفو و بخشیدن گناهان است. (مطهری، ۱۳۷۶ش: ۱. بخش ۲/۲۵۴)

۲. ۱. تفسیر: تفسیر در لغت به معنای ایضاح و تبیین است. درباره ریشه این کلمه دو رأی وجود دارد: ۱- از ریشه «فسر»: کشف المَغْطَى، و التَّفْسِيرُ کشف المُرَاد عن اللفظ المُشْکَل، فسر به معنای کشف معنای پنهان، و تفسیر آشکار کردن معنای مورد نظر یک کلمه مشکل است. (ابن منظور، بی تا: ۵/ ۵۵) فَسَّرَ، وَضَحَ، بَيَّنَّ، كَشَفَ، أَبَانَ، أَوْضَحَ، فَصَّلَ. توضیح دادن، روشن کردن، واضح کردن، آشکار کردن، شرح دادن، شرح دادن. (طراد، ۲۰۱۰م: ۱۰۰ و ۴۴۷) ۲- و «فسر» که مشتق از «سفر» و مقلوب آن است. (سیوطی، بی تا: ۱۹۲/۴)

اصطلاح تفسیر: علامه طباطبائی (ره) می‌فرماید: «تفسیر عبارت است از بیان کردن معنای آیه‌های قرآن، کشف مقاصد مدلولهای آنها.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۴/۱) لذا تفسیر به معنای برداشتن پرده ابهام و نشان دادن معنای باطنی که در نگاه اول به دست نمی‌آید. از این رو تکیه بر معنای ظاهری آیات را تفسیر نمی‌نامند. زیرا در معنای ظاهری ابهامی نیست تا با به کار بردن تفسیر، عمق و حقیقت آن نمایان گردد. (نجمی و هریسی، بی تا: ۲۷۸)

۲. جایگاه شفاعت در قرآن و سنت

از آنجا که در عرف قبل از اسلام از اصل شفاعت برداشت صحیحی نمی شد و مشرکان بت پرست، با وجود ارتکاب به شرک و ظلم، بتها را شفیع خود نزد خدا قرار می دادند تا از خشم و عذاب الهی در امان بمانند و یا اهل کتاب با تفکرات غلط، خود را به بهشت فرا خوانده بودند. آیات هدایتگر قرآن، ابتدا با کشیدن خط بطلان بر شفاعت غیر خدا، اذهان بشر را از آلودگی و اعتقاد به شفاعت ظالمانه پاک نمود و سپس با اصلاح عقاید باطل راه را برای ارائه مفهومی صحیح از شفاعت در قیامت باز کرد.

۲.۱. شفاعت در قرآن

قرآن با بیانات و تعبیرات مختلف به مقام شفاعت اشاره دارد و آیاتی را در این زمینه مطرح کرده است.

۲.۱.۱. تصحیح اعتقاد به شفاعت

دسته‌ای از آیات مربوط به این موضوع، در صدد اثبات اصل شفاعت نیستند. بلکه؛ صرفاً در صدد تصحیح عقیده به شفاعت می باشند. چون اسلام با دو گروه مشرک و اهل کتاب مواجه بود که هر کدام مفهوم غلطی از شفاعت داشتند:

-تصحیح اعتقاد عرب جاهلیت

خداوند متعال در قرآن با اشاره به توجیه مشرکان نسبت به بت پرستی آنها می فرماید: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ»: آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه سودی می بخشد؛ و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» (یونس/۱۸) و می گویند: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى»: ما بتها را می پرستیم تا ما را به خدا نزدیک کند (زمر/۳)

سپس قرآن اصل واسطه قرار دادن بین خود و خدای خود را انکار نکرده، بلکه با استفهام انکاری می فرماید: «قُلْ أَتَدْعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ» (یونس/۱۸): آیا خدا را از چیزی خبر می دهید که نه در آسمانها و نه در زمین از آن آگاهی ندارد؟ یعنی اگر برای خداوند شریکی و یا واسطه‌ای در جهان خلقت وجود داشت، قطعاً خداوند از وجود او آگاهی پیدا می کرد، اینکه خدا از وجود چنین موجودی آگاه نیست، دلیل قطعی بر نبودن آن

است. (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۵/۵) چون قوام و تحقق معنای «شفاعت» به این است که مقام بالاتر که شفیع بخواهد نزد او، شفاعت کسی را بکند، بفهمد که این شفیع دارد شفاعت فلانی را می‌کند، وگرنه شفاعت تصور نمی‌شود و فرض اینست که خدای تعالی هیچ علمی به وجود شفیعیانی کذایی ندارد، با این حال چگونه تصور می‌شود که شفاعت چنین شفیعیانی تحقق یابد؟ (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۱/۱۰)

- تصحیح اعتقاد اهل کتاب

اهل کتاب برای ورود به بهشت معیاری ارائه کردند که فقط در خودشان یافت می‌شود و ادعای انحصار ورود به بهشت داشتند؛ «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»: و گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد، این دروغ‌ها و اباطیل آنان است؛ بگو: اگر راستگویند دلیل و برهان خود را بیاورید. خداوند معیار محرف و بی‌برهان آنها را رد می‌کند: «قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا ... أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»: بگو: آیا از نزد خدا پیمانی گرفته اید؟ یا جاهلانه چیزی را به خدا نسبت می‌دهید؟ (بقره/۱۱۱)

قرآن تنها پایه سعادت را تسلیم بلا منازع در مقابل پروردگار و احسان که شامل حسن فاعلی و حسن فعلی عمل است معرفی فرمود: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ...»: آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند در حالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است. (بقره/۱۱۲) (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۹۰/۶-۱۹۵)

۲/۱/۲. آیات دسته دوم

آیاتی که اگر چه لفظ شفاعت را به کار نبرده‌اند، اما وعده شفاعت داده و در صدد اثبات هستند.

- آیه استغفار ملائکه

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ... يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا...»: فرشتگان حامل عرش... برای مؤمنان استغفار می‌کنند. (غافر/۷) همچنین در آیه ۵ سوره شوری، ملائکه برای عموم مؤمنین و کسانی که در روی زمین هستند استغفار می‌کنند.

- آیه تهجد

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»: «و پاسی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب]، ویژه توست، امید است امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!» (اسراء/۷۹)

«مفسرین اتفاق نظر دارند که مقصود از مقام محمود، آن مقامی است که برای مردم شفاعت می‌کند و در آن مقام ابتدا پروردگار عالم را سپاس می‌کند سپس ملائکه را و ملائکه نیز متقابلاً او را سپاس می‌کند، بعد انبیا را مورد سپاس و حمد خود قرار می‌دهد و آنان نیز متقابلاً آن حضرت را سپاس می‌کنند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۲۸۴) علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «خداوند محمود بودن مقام آن حضرت را مطلق آورده و هیچ قیدی به آن نزده، و این خود می‌فهماند که آن مقامی است که هر کس آن را می‌پسندد و معلوم است همه، مقامی را حمد می‌کنند که از آن منتفع گردند و آن مقام شفاعت کبرای رسول خدا (ص) است که روز قیامت در آن مقام قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۱۷۵)

۳/۱/۲. آیات بیانگر شرائط شفاعت در قرآن

مفسران از آیات شفاعت (۸۶ / زخرف) شروطی همچون شهادت به حق به معنای عالم به حق به زبان و دل (طیب، ۱۳۶۹: ۱۲/۶۴؛ کاشانی، ۱۳۱۴: ۸/۲۶۸) و یا شهادت به توحید (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۸/۱۲۷) و از بعض (آیات ۱۰۹/ طه، ۲۸/ انبیاء و ۸۷/ مریم) شروط اذن الهی، رضایت از قول و فعل، عمل به عهد الهی که شامل ایمان به خدا و تصدیق به نبوت و شهادت به لا اله الا الله و امید نداشتن به حول و قوه خود و دیگران را برداشت کردند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۴/۱۱۱) پس مشرک و کافر که دین مورد پسند خدا را ندارند، مورد شفاعت قرار نمی‌گیرند. (سبحانی، ۱۳۹۰: ۸/۴۲۸)

۲/۲. شفاعت در سنت

علاوه بر آیات قرآن، روایات فراوانی از پیامبر (ص) و همه معصومین (ع) در زمینه شفاعت در منبغ فریقین، موجود است.

۱/۲/۲. روایات مؤید شفاعت

«رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «اسعد الناس بشفاعتی يوم القيامة من قال: لا اله الا الله خالصاً من قلبه»: باسعادت‌ترین مردم در روز قیامت که به شفاعت نائل می‌شود کسی است که کلمه توحید را با خلوص و باور قلب بگوید. (بخاری، بی تا: ۳۳/۱)

«رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «أُعْطِيَتْ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي: ... وَأُعْطِيَتْ الشَّفَاعَةُ...»: پنج چیز به من داده شده که به هیچ یک از پیامبران قبل داده نشده است: ... و شفاعت در روز قیامت به من عطا شد...» (صدوق، ۱۴۰۵: ۱، بخش ۲/ ۱۵۵)

از امامان معصوم (ع) ذیل آیات؛ شعراء/ ۱۰۱ و اسراء/ ۷۹ روایات متعددی نقل شده که در بعضی از آنها صریحاً آمده که ایشان شافعان هستند. (ر.ک. حویزی، ۱۴۱۵: ۲۰۸/۳ و طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۷۱/۶)

۲/۲/۲. روایات بیانگر شرائط شفاعت

رسول اکرم (ص) می فرماید: «إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَيُشَفَّعُنِي اللَّهُ فِيهِمْ وَ اللَّهُ لَا تَشَفَّعْتُ فِيمَنْ آذَى ذُرِّيَّتِي». هنگامی که در مقام شفاعت قرار گیرم برای گناهکاران اتم شفاعت می کنم و خداوند شفاعت مرا می پذیرد. به خدا سوگند برای کسانی که ذریه و فرزندان مرا آزار کرده باشند شفاعت نمی‌کنم. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: بخش ۲/ ۱۹۲)

علی (ع) می فرماید: «من كَذَّبَ بِشَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ تَنْلَهُ»: کسی که شفاعت رسول خدا را تکذیب کند، شفاعت آن گرامی به او نمی‌رسد». (قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۰۲/۲)

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة؛ کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی‌رسد». (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۴/۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰۷/۹)

۳. دیدگاه تفسیری قرآنیون شیعی درباره آیات شفاعت

با وجود تاکید قرآن بر مبین و مفسر قرآن بودن پیامبر اکرم (ص) و جانشینان ایشان جهت تفسیر و تبیین آیات (حشر/ ۷ و نحل/ ۴۴)، قرآنیون شیعه تابع جریانی افراطی هستند که قائل به کافی بودن قرآن در رفع نیازهای جامعه اسلامی است.

۳. ۱. مبانی کلامی و فکری قرآنیون شیعی در تفسیر آیات قرآن

قرآنیون شیعی قائلند که تمام معارف و دانستیهای دین در قرآن موجود است و به نصوص غیر قرآنی نیازی نیست، و در تفسیر نیز به غیر قرآن نیازی نداریم، لذا تنها اعتماد به ظاهر آیات می‌کنند. (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۶۵ و ۲۷۵)

نیز معتقدند: تفصیل معارف و جزئیات احکام و همه دانستیهای دین در قرآن نیست، اما می‌توان همه آیات قرآن را با قرآن تفسیر کرد و در تفسیر به غیر از قرآن به چیز دیگری نیاز نداریم. (بابایی، ۱۳۹۱: ۴۵)

۳. ۱. ۱. دلایل قرآنیون

قرآنیون شیعه، همچون سنگلجی، قلمداران، ابوالفضل برقی و مصطفی طباطبایی، با شعار بازگشت به قرآن، که تحت تاثیر انکار سنت از ناحیه خاورشناسان بودند، برای توجیه گزینش این روش انحرافی در تفسیر آیات قرآن و عدم نیاز به رجوع به روایات اهل بیت (ع)، دلایلی مطرح نمودند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

الف- وابسته بودن فهم کتابی که برای همه زمانها نوشته شده و همه مردم مخاطب آند، به عده‌ای محدود غلط بوده و با عمومیت مخاطبان سازگار نیست. (قلمداران، ۱۳۸۸: ۱۸۵، سنگلجی، ۱۳۸۶: ۲۵)

نقد: درحقیقت اینها استقلال قرآن را لازمی هدف انزال آن دانسته در حالیکه وجود اجمال در ساختار قرآن نه قبح ذاتی دارد و نه خلاف حکمت است. (رحیمیان، ابطحی، ۱۳۹۷: ۱۹)

ب- مفاهیم آیات قرآن روشن و برای همگان قابل فهم است. چنانچه قرآن می‌فرماید: « تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ »: این است آیات کتاب روشنگر. (یوسف/ ۱)

نقد: بزرگترین اشتباه قرآنیون ندیدن آیات در کنار هم و رجوع گزینشی به آیات است. خداوند متعال در آیه ۴۴ / نحل، پیامبر اکرم (ص) را مبین و مفسر آیاتی معرفی می‌کند که بر ایشان نازل فرمود. (محمدی فام، ۱۳۹۸: ۱۰۲)

ج- یکی از دلایل عدم وضوح آیات قرآن، وجود متشابهات است، که ما برای فهم این آیات نیازی به غیر قرآن و تاویل توسط ائمه (ع) نداریم، چون همه می‌توانند معنای آن را بفهمند.

(برقی، بی تا: ۹۶)

نقد: تاویل حقیقی آیات متشابه را خدا می‌داند، اما طبق ادله‌ی عقلی، قرآنی و روایی، از سوی ذات خداوند متعال به دیگران قابل افاضه بوده و خداوند متعال به پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) تفویض فرموده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۲/۳)

د- فهم عقلی و سیره عقلا حکم می‌کند که در فهم سخن گوینده، می‌توان از دیگر سخنان وی برای رفع ابهام کمک گرفت و باید باب تاویل را مسدود نمود و نباید به از سنت پیشینیان تقلید نمود، چون امکان اشتباه در آنها هست. (شعار، ۱۳۲۳: ۲۱-۲۲)

نقد: طبق مباحث اصول فقه، ظواهر آیات پیش از تحقق قرائن حجیت ندارند و از جمله این قرائن، روایاتی است که در تفسیر آیات قرآن به عنوان قرائن منفصل فهم آیات وارد شده اند. (منوچهری، فارسیان، ۱۳۹۷)

۳. ۲. برداشت قرآنیون از آیات شفاعت

قرآنیون شیعه شفاعت را به معنای ابلاغ رحمت الهی در قیامت توسط مقربان درگاه خداوند متعال به مؤمنان و کسانی که دینشان مورد رضایت خداست و یا به معنای استغفار انبیاء و ملائکه الهی در دنیا برای مؤمنان می‌دانند. آنان اعتقاد به شفاعت در قیامت را سبب جری شدن مسلمانان در ارتکاب به گناه دانسته و با استناد به آیه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً» (مدثر/ ۳۸) معتقدند هر کس باید جزای عملش را ببیند.

۳. ۲. ۱. نفی شفاعت در قیامت

بر اساس عدل الهی گناهکار باید به کیفر اعمالش برسد و شفاعت در قیامت با عدل خداوند سازگار نیست. در قرآن آیه‌ای که اثبات کند شفاعت از طرف خلق باشد نیامده و قرآن چنین شفاعتی را مطلقاً نفی می‌کند و تمام روایاتی که در اثبات چنین شفاعتی وارد شده، تماماً ضعیف السند و مخدوش المتن و از جعلان، غالیان و بی‌دینان نقل شده است. (برقی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۵) درحقیقت منشأ اعتقاد به شفاعت، انس و عادت دربار سلاطین جبار آن روزگار بود که مدبرتر يك سوگلي و مقرب در پیشگاه شاه می‌شد، شخص مجرم سرتاپا گناه را از کیفرپاك و از عزیزان درگاه کند!! موضوع شفاعت در قرآن

مجید در هیچ موردی به عنوان اثبات نیامده و در بسیاری از آیات نفی شده، مانند: آیات ۴۸ و ۲۵۴ سوره بقره. (قلمداران، بی تا: ۲۸۵-۲۸۶)

۲. ۲. ۲. شفاعت استغفار در دنیا است

مفسر قرآنیون، با استناد به ماضی بودن «اِذْنَ» در آیه «...لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ اِذْنُ لَهُ الرَّحْمَنُ...»: در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده... (طه/۱۰۹) به این نتیجه می رسد که شفاعتی که طبق این آیه پسندیدگان خدا در دنیا از آن برخوردارند، همان استغفار بوده و دارای سه شرط می باشد:

شرط اول «اِذْنِ پروردگار» است، چرا که خدا اجازه داده و فرموده: «وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (محمد/۱۹) و «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران/۱۵۹) شرط دوم برای کسانی که مورد استغفار و شفاعت قرار می گیرند بر اساس آیه ۱۰۹ / طه، «مرضی خدا» بودن است. این مفسران همان آیاتی که شرایط پذیرش شفاعت در آن آمده را در کنار آیات استغفار قرار می دهند و مرضی خدا بودن بنده را در استغفار شرط می دانند: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى» (انبیاء/ ۲۸)

شرط سوم آن است که علاوه بر مؤمن بودن شخص مشفوع له در دنیا خود را مستحق شفاعت نموده باشد تا مورد استغفار فرشتگان و پیغمبر و مؤمنین باشد. وگرنه پس از مرگ کسی استحقاق شفاعت را پیدا نخواهد کرد، چون اعمالش با مرگ خاتمه می یابد. زیرا خداوند فرمود: «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ اِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَاَوْاْ بَاسَنَا...»: ولی زمانی که عذاب سخت ما را دیدند، ایمانشان سودی به آنان نداد. (غافر/۸۵). (برقی، بی تا: ۳۷۵-۳۷۸)

۳. ۲. ۳. شفاعت ابلاغ رحمت خدا در قیامت است

این دسته مفسران شفاعت در قیامت را به معنای ابلاغ رحمت خدا برای مؤمنانی است که مرضی خدا و پاک باشند و یا در عین پاک بودن، کمی آلودگی دارند و نگرانند و چون خدا اموری را به وسائل تدبیر می کند، بر اساس آیه ۲۳ / سبا: «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ اِذْنُ لَهُ» و آیه ۸۶ / زخرف: «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهِ الشَّفَاعَةُ»، این مؤمنان و پسندیدگان نزد خدا، نیز منتظر شفیع و وسیله ای هستند که رحمت خدا را به ایشان ابلاغ کند. حتی در آن روز (قیامت)، ممکن است از خداوند طلب شفیع کنند که از طرف خدا به ایشان مژده

دخول در بهشت دهد که البته این شفاعت نسبت به مؤمنین حقیقی که بهشت رفتشان قطعی شده می باشد. (برقعی بی تا: ۳۸۲/۱)

۴. دیدگاه تفسیری وهابیون درباره آیات شفاعت

عقاید وهابیت که در قرن دوازده قمری توسط محمد بن عبد الوهاب از عالمان حنبلی مذهب پایه گذاری شد، بر نظریه های احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه و مبانی سلفی او مبتنی است. وهابیان در مواجهه با قرآن و روایات، به ظاهر آیات و اخبار عمل می کنند و معتقد به تأویل نبوده و با تکیه بر ظاهر گرایی از محدوده دلالات لفظی و لغوی فراتر نمی روند.

۴.۱. مبانی فکری و کلامی وهابیون در تفسیر قرآن

مبانی فکری وهابیون در تفسیر قرآن کریم با توجه به گرایش های سلفی گرایانه آنها، از ویژگی ها و اصول خاصی برخوردار است. در ادامه به مهم ترین مبانی وهابیون در تفسیر قرآن اشاره می شود:

۴.۱.۱. تأکید بر ظاهرگرایی (نفی تأویل)

غالب مسلمانان در برابر صفات خبری يك نوع پرهیز از تشبیه و تجسیم دارند، اما وهابیون معتقدند که قرآن باید به صورت ظاهری و لفظی تفسیر شود و هرگونه تأویل (تفسیر باطنی یا عقلی) را به ویژه در آیات صفات خداوند بدعت می دانند. فخر رازی، به صراحت تمام حنبلیان را از مجسمه می شمرد و می گوید: «بیشتر حنبلی ها وجود اعضا و جوارح مذکور را برای خداوند ثابت می دانند» (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۶۱۲) از جمله پیروان احمد بن حنبل، احمد بن تیمیه حرانی دمشقی و شاگردش ابن قیم جوزی و آنگاه جماعت وهابیون معاصرند. در صورتی که در مقام عمل در موارد بسیاری تأویل را پذیرفته اند، که این نشان از تناقض در گرفتار آنها است، مانند آنکه در آیه ۴۰ سوره توبه، دو معیت عامه و معیت خاصه را به خداوند نسبت دادند. (بن باز، ۱۴۱۶: ۱۴۲/۱)

۴.۱.۲. اتکای مطلق به قرآن و حدیث (سنت)

وهابیون فقط قرآن و حدیث نبوی را به عنوان منابع معتبر تفسیر می پذیرند و استفاده از عقل،

فلسفه، عرفان یا کشف شهودی در تفسیر را باطل می‌دانند.

۳. ۱. ۴. التزام به تفسیر سلف صالح

مبنای اصلی تفسیر قرآن در اندیشه وهابی، پابندی به فهم سلف صالح (صحابه، تابعین، تابع تابعین) است. ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب در آثارشان تأکید دارند که فهم سلف معیار حقانیت تفسیر است، لذا هرگونه تفسیر جدید یا نوآورانه را «بدعت» و انحراف می‌دانند.

۴. ۱. ۴. نفی جایگاه اهل بیت (ع) در تفسیر

بر خلاف شیعه، وهابیون به احادیث تفسیر شده از اهل بیت (ع) توجهی ندارند و آن‌ها را خارج از حجیت می‌دانند، مگر اینکه از طریق منابع اهل سنت به صورت صحیح روایت شده باشند.

۵. ۱. ۴. انکار مجاز

وهابیت وجود مجاز در قرآن را نفی می‌کنند و قبول مجاز را در قرآن یا در احادیث نبوی را موجب نفی صفات خداوند می‌دانند. در حالی که بسیاری از آنان به استعمال مجاز در قرآن معتقدند و به وجود این روش در عصر صحابه نیز اذعان کرده‌اند. ابن تیمیه از ابن عباس نقل می‌کند که وی آیه‌ی: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم: آیه ۴۲) را به شدت امر حمل کرده است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۷۱/۱)

۶. ۱. ۴. تفسیر خاص وهابیت از عبادت

آیت الله سبحانی (حفظه الله) با سال‌ها تجربه در عرصه نقد وهابیت، معتقد است برای نقد وهابیت، ابتدا باید عبادت را به صورت دقیق و منطقی تعریف کنند. سپس آن را بر موارد نزاع، تطبیق نمایند. (رئسی، بی تا: ۱۳۰) زیرا آنان با تفسیر خاص از عبادت و نیز عبادت خواندن بسیاری از اعمال مسلمانان، زمینه متهم کردن مسلمانان را به شرک فراهم کردند.

به نظر ابن تیمیه عبادت شامل اقوال و اعمال باطنی و ظاهری است همراه با محبت و فروتنی است و هر کس برای انسانی خضوع کند در حالیکه به او محبت دارد، او را عبادت کرده و کسی جز خدا مستحق ذل و حُب نیست. استعانت و توکل خاص پروردگار است و اعراض

قلب از او به سوی مخلوق، حبّ فاسدی است که قلب را از حبّ صالح منحرف می- کند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ۱۰، ۱۴۹-۱۸۷)
نقد: اولاً- پرسش اصلی این است که آیا تعاریف اهل لغت، می تواند معیاری برای توحید و شرك قرار گیرد؟!

ثانیاً- این تعریف مانع اغیار نیست، زیرا بسیاری از مصادیق عرفی احترام و تکریم و برخی مصادیق قرآنی مانند سجده ملائکه برای آدم (ع) به تعریف عبادت راه می یابد و باز گرداندن معنای عبادت به توحید طبق تعریف این گروه، زمینه را برای تکفیر مخالفانشان آماده می کند. به نظر یکی از علمای برجسته عربستان، بسیاری از مردم در فهم حقیقت تعظیم و حقیقت عبادت خطا می کنند و بین آن دو آشکارا خلط می نمایند و هر گونه تعظیمی را عبادت می- شمردند که این باور ناشی از نادانی و عناد است، که نه مورد رضایت خداست و نه رسول خدا (ص) و نه با روح شریعت اسلامی سازگاری دارد. (رئیی بی تا: ۱۳۶)

۴. ۲. برداشت تفسیری وهابیون از آیات شفاعت

وهابیون اصل «شفاعت» را قبول دارند و معتقدند؛ هرچند در قیامت شفیعان از گناهکاران شفاعت خواهد کرد، اما اولاً: ما نباید در دنیا برای امور دنیایی از آنها طلب شفاعت کنیم. ثانیاً: اگرچه پیامبران حق شفاعت دارند، ولی ما نمی توانیم مستقیماً از آنها طلب شفاعت کنیم، بلکه باید از مالک حقیقی شفاعت، که خدا باشد، بخواهیم که اجازه ی شفاعت ما را به آنها بدهد و اگر کسی مستقیماً از آنها شفاعت بخواهد، مشرک است. (رضوانی، ۱۳۸۸: ۴۵۸)

۴. ۲. ۱. پذیرش شفاعت در قیامت

ابن تیمیه ذیل آیات (محمد/۱۹ و ابراهیم: ۴/ و نوح/ ۲۸) می نویسد: یک سری سنن متواتر هست که انکار آنها کفر است، مانند: نماز و دعای مسلمانان برای میت و شفاعت پیامبر اکرم (ص) در روز قیامت و کسی جز اهل بدعت شفاعت او را برای اهل کبائر انکار نمی- کند. شفاعت پیامبر دعا و درخواست بخشش از خداوند متعال است و به احادیثی از ابن عباس استناد می کند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۲۸/۳)

ابن کثیر «وسیله» را در آیه ۳۵ / مائده، درجه‌ای است از جنت می‌داند که فقط یک نفر به آن می‌رسد و از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «از خدا وسیله طلب کنید، چون هیچ بنده‌ای در دنیا از من شفاعت نمی‌خواهد، مگر آنکه در روز قیامت شاهد و شفیع او خواهم بود.» و نیز از ایشان نقل می‌کند: «در بهشت وسیله‌ای است، پس از خدا آن را طلب کنید و مرا نیز از خدا بخواهید. گفتند: چه کسی با شما هست؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳، ۹۴-۹۵)

او ذیل آیه ۱۱۰/ آل عمران از قول نبی اکرم می‌نویسد: «خداوند به من وعده داده که هفتاد هزار نفر از امت مرا بدون حساب داخل بهشت می‌نماید و هر کدام برای هفتاد هزار نفر شفاعت می‌کنند.» (همان: ۸۷/۲)

۲. ۲. ۴. درخواست شفاعت از غیر خدا شرک است

-ابن تیمیه معتقد است که مستقیماً باید از خود خدا طلب شفاعت کرد و اگر به حق کسی یا جایی خدا را قسم دهی حرام و شرک است، او با استناد به آیات ۵۲ و ۵۴ / نور، جهت اثبات نظر خود نموده، می‌نویسد: چون مخلوق حقی بر خالق ندارد و پیامبر (ص) تنها ابلاغ کننده وحی است و اجابت داعی و رفع مشکلات و قضای حاجات بنده، فعل خداست و در این راه شریکی ندارد، به همین جهت خداوند حق اطاعت و پیروی را به خود و رسولش و حق خشیت و تقوا را به خود اختصاص داده، همچنانکه در آیه ۵۹ / توبه، توکل و رغبت را به خود نسبت داد و فرمود: «قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» و نفرمود: «حسبنا الله ورسوله» و «إلى الرسول راغبون»! (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۴۶/۳)

سعدی نیز در مباحث کلامی به تناسب آیات وارد شده و مخالفان را رد می‌کند و طبق مذهب سلفی ذیل آیه ۱۰۲/ کهف می‌نویسد: این برهانی است برای بطلان ادعای مشرکین کافر که بعضی از انبیاء و اولیاء را شریک خدا قرار داده و گمان می‌کنند آنها اولیای آنها بوده و آنان را از عذاب خدا نجات می‌دهند و در این آیه خدا با استفهام انکاری این تفکر را باطل می‌کند و پس هرکس که گمان کند ولی خدا، ولی اوست، او دشمن خداست و کافر است. زیرا مخلوقات مالک نفع و ضرری نیستند و «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ» (زخرف/۸۶) (سعدی، ۱۴۰۸: ۵/۹۸۴)

نقد: به اعتقاد وهابیون شفاعت فعل خدا و حق اوست و درخواست فعل خدا از غیر خدا عبادت او است. مسلم است که درخواست فعل خدا، از غیر خدا عبادت او است و ملازم با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت او می باشد، ولی جان سخن این جا است که مقصود از فعل خدا چیست؟ هنوز نویسندگان وهابی در طول این سه قرن ضابطه‌ای برای فعل خدا بیان نکرده‌اند، و بدیهی است که بدون تعیین چنین ضابطه‌ای، استدلال عقیم خواهد بود. در آیات فراوانی، افعال مختص خدا، به غیر او نیز نسبت داده شده است؛ مثل «اماته و میراندن» که در جایی می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ» (مؤمنون/۸۰) و در جای دیگر می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا»: آنگاه که مرگ یکی فرا رسید، فرستادگان ما جان آنان را می‌گیرند. (انعام/۶۱) چنانچه قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که هر شبانه روز بارها بگویند: «وَايَاكَ نَسْتَعِينُ»؛ فقط و فقط از تو استعانت می‌جوییم. و در عین حال، دستور می‌دهد از نماز و صبر نیز استعانت جوییم: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره/۴۵) (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

-استدلال دیگر وهابیان، مقایسه طلب شفاعت خواهی از اولیاءالله با شفاعت خواهی بت پرستانان حجاز از بت ها است که در مقابل آنها به ناله و زاری پرداخته و درخواست وساطت می کردند. (یونس/۱۸)

نقد: اولاً؛ این آیه کوچکترین دلالتی بر مقصود آنان ندارد و اگر قرآن آنان را مشرک می‌داند، به این دلیل نیست که آنها از بت ها شفاعت می‌خواستند بلکه علت مشرک بودن آنان این است که بت ها را می‌پرستیدند تا سرانجام آنها را شفاعت کنند. اگر شفاعت خواهی از بت ها، پرستش آنها بود، دیگر دلیلی نداشت که بعد از (وَيَعْبُدُونَ) جمله‌ی (وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا) را به آن عطف کند، آیه هرگز دلالت ندارد که شفاعت خواهی از بتها پرستش آنها است، چه رسد به این که شفاعت خواهی از اولیای حق و عزیزان درگاه وی نشانه پرستش آنها باشد.

ثانیاً: میان این نوع شفاعت خواهی و شفاعت خواهی مسلمانان، از زمین تا آسمان فاصله است. آنها بتان را مالکان شفاعت و صاحب اختیار درگاه الهی نسبت به آمرزش گناه و شفاعت می‌دانستند و با اعتقاد به (الوهیت) و (ربوبیت) و (مبدأ کارهای الهی بودن آنان)

درخواست شفاعت می کردند. در حالی که یک فرد مسلمان از اولیای الهی به عنوان یک فرد مقرب و آبرومند و یک عبد مأذون از جانب خداوند در مسأله شفاعت، درخواست شفاعت و طلب دعا می نماید و مقایسه این دو نوع با هم بسی دور از انصاف و واقع بینی است. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۶۶)

۵. بررسی تطبیقی نظرات تفسیری دو گروه حول آیات شفاعت

۵.۱. شباهتهای دو دیدگاه:

۵.۱.۱. تکیه بر ظاهر آیات

مفسران قرآن بسند شیعی و وهابیون با نفی تاویل در تفسیر آیات قرآن، بر معنای لغوی آیات تکیه نموده به نقش تفسیری آیات نسبت به یکدیگر کاملاً بی توجه می باشند؛ قرآنیون دلیل این اعتقاد را محکم بودن تمام آیات و واضح الدلالة بودن آنها می دانند و با استناد به آیه: «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا» (زمر/۲۳)، معتقدند منظور تشابه آیات در فصاحت و وضوح است و آنها که عربیت و ادبیت ندارند، چون معنای آیه را نمی فهمند، می گویند: تاویل آن را رسول (ص) و ائمه (ع) می دانند. (برقی، بی تا: ۱/ ۱۱۴-۱۲۰) وهابیون هم نظری مانند قرآنیون داشته و تاویل را کار اهل کتاب می دانند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴: ۱۲۱/۱-۱۲۴)

۵.۱.۲. سرپیچی از توصیه پیامبر (ص)

هر دو گروه از مفسران، با تکیه بر مبانی فکری و کلامی خاص خود، از توصیه اکید پیامبر اکرم (ص) مبنی بر تمسک به قرآن و اهل بیت پیامبر (ص) در جهت کسب معارف قرآن و طی نموده صراط مستقیم تا رسیدن نزد ایشان را نادیده گرفته و به یکی از آنها بسنده نمودند. قرآنیون با استناد به روایاتی همچون قول امام علی (ع): «كِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ وَ تَنْطِقُونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ، وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ، وَ لَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ، وَ لَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ»: (قرآن) کتاب خداست، که به یاری آن حق را می بینید و می گویند و می شنوید. برخی از آن، برخی دیگر را تفسیر می کند و برخی از آن، به برخی دیگر شهادت می دهد. در دین خدا اختلاف ندارد و پیرو خود را از خدا منحرف نگردد. (نهج البلاغه/خ/۱۳۳) و نیز توجه به ملاک حجیت روایات از سوی اهل بیت (ع)، در تفسیر آیات

نقشی برای آن قائل نیستند. (شعار، ۱۳۲۳: ۱۱-۱۴ و قلمداران، بی تا: ۱۷۱) وهابیون نیز فقط اقوال سلف را مصداق سنت دانسته، لاجرم به احادیث اهل بیت (ع) توجه ندارند.

۳. ۱. ۵. شرک دانستن طلب شفاعت از اولیاء الهی در حقیقت هر دو دسته با تحمیل تعصبات کلامی خود بر تفسیر آیات شفاعت، طلب نمودن شفاعت از اولیاء خدا در پیشگاه حسابرسی الهی را در دنیا مردود می‌دانند. قرآنیون با استناد به آیه ۱۸ / یونس: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ: و آنان به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه زبانی به آنان می‌رسانند و نه سودی به آنان می‌دهند؛ و می‌گویند: اینان شفیعان ما نزد خدایند». مسلمانان را با مشرکان بت پرست مقایسه کرده و می‌نویسند: عده‌ای با اظهار ذلت و بندگی در برابر بتها و یا در برابر قبور بزرگان دینی، از آنها حاجت می‌طلبند، درحالیکه چنین پنداری شرک‌آمیز است و خداوند متعال مقامی را به عنوان «شفیع» در آسمان و زمین به رسمیت نمی‌شناسد. (حسینی طباطبایی، بی تا: ۵، ۱۲ و برقی، بی تا: ۳۲۶)

وهابیون نیز شفاعت خواستن از پیامبر (ص) و اولیاء الله را بدعت و ضلالت دانسته و می‌نویسد: تمام احادیث پیروان این تفکر جعلی و کفر به خدا و رسول است و حق پیامبر بر مسلمانان تنها پیروی از امر و نهی‌های ایشان است و ایشان طریقی مستقل به سوی خدا نیست و خداوند در آیه الکرسی، انبیاء/ ۲۸، نجم/ ۲۶، اسراء/ ۵۷ و آل عمران/ ۷۹-۸۰، از اتخاذ ملائکه و انبیاء به عنوان شفیع، به ارباب کفر یاد می‌کند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۴۳/۳-۴۸)

عثمین ذیل آیه ۶۰ / یس، معتقد است عبادت مفهوم عامی است که شامل هر گونه طاعت همراه با تذلل می‌گردد. (عثمین، ۱۴۲۴: ۲۱۸) او می‌نویسد: چون ملک آسمانها و زمین از آن خداست، اینکه خدا می‌فرماید: «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا» (زمر/ ۴۴) یعنی واجب است تمام آنچه در آسمان و زمین هستند از خدا که مالک آنهاست، طلب شفاعت کنند و عبادت را برای او خالص نمایند و برای کسی که برای خدا شریک قرار دهد، عذاب دردناکی است. (همان، ۸۵۳)

۴. ۱. ۵. توسل به آیات خاص مفسران هر دو گروه برای توجیه تفکر اشتباه خود به آیات

مشترکی استناد نموده اند. مثلاً از ظاهر آیه: «لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ»: و کسانی را که به جای خدا می پرستند، اختیار شفاعت ندارند. (زخرف / ۸۶). همچنین از آیه ۱۸ / یونس، برای نفی شفاعت خواهی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در دنیا بهره برده و نیز از آیه ۱۰۹ / طه جهت بیان شرایط شفاعت بهره بردند. قرآنیون در تفسیر آیه اخیر جهت نفی شفاعت در قیامت می نویسند: «لا تنفع»: سود نمی دهد، به صورت فعل مضارع آمده که مربوط به آینده یعنی روز قیامت است و «الّا من أَذِنَ» ماضی آورده شده که مربوط به دنیاست، یعنی شفاعت مختص دنیا است. (برقی، بی تا: ۳۷۲-۳۷۸)

۵. ۱. ۵. بی خبری اولیای الهی از نیت خلق

هر دو گروه معتقدند، کسی که می خواهد نزد خدا در روز قیامت شفاعت بنده‌ای را بنماید، باید از حال و روز او باخبر باشد. لذا شفاعت خواستن از اولیائی که از دنیا رفتند را به دلیل بی خبری از حال اهل دنیا بی اساس می دانند. قرآنیون با استناد به آیه ۱۱۷ / مائده، معتقدند اولیای الهی بعد از مرگشان از اوضاع مردم بی خبرند، پس چطور می خواهند از آنان در قیامت شفاعت کنند؟ چنانچه حضرت عیسی (ع) به خدا عرض می کند: «كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ»: تا زمانی که در میان آنان بودم گواهمان بودم و چون مرا برگرفتی، خود مراقب و نگاهبانان بودی. لذا منکر مقام شهادت پیامبران و اولیای الهی بعد از فوتشان می شوند. (حسینی طباطبایی، بی تا، ج ۳، ص ۷۷ و برقی، بیتا، ج ۱، ص ۳۸۵) وهابیون نیز با همین توجیه، هر گونه طلب و درخواستی را در کنار قبر پیامبر (ص) و یا یکی از افراد صالح را شرک می دانند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۲: ۱۸)

۵. ۱. ۶. پذیرش شرایط شفاعت در آیات

این دو دسته از مفسران، مانند سایر مسلمانان، به این مسئله که شفاعت تنها با اذن خدا و در صورت راضی بودن خدا از ایمان بنده امکان پذیر است اذعان داشته و نیز به این موضوع که علاوه بر مؤمن بودن شخص مشفوع له باید در دنیا خود را مستحق شفاعت نماید.

۵. ۲. تفاوت‌های دو دیدگاه:

۵. ۲. ۱. منابع تفسیری: منبع فهم دین و تفسیر آیات قرآن نزد قرآنیون، تنها قرآن بوده و در این مسیر خود را بی نیاز از احادیث اهل بیت (ع) می دانند و تنها بعضی احادیث را که

موافقت با آیات قرآن دارند را در تفسیر آیات مستند می‌دانند. در حالیکه وهابیون با شعار تفسیر قرآن براساس سنت و روایات پیامبر (ص) در کنار آیات قرآن، تنها به احادیث منقول از طریق صحابه و تابعین و تابعین تابعین، تعصب داشته و در تفسیر آیات شفاعت به آنها اعتماد کامل نمودند.

۲. ۲. ۵. شفاعت در قیامت

قرآنیون شیعه شفاعت در قیامت را قبول نداشته و معتقدند در قرآن آیه‌ای مبنی بر به اینکه در قیامت کسی نزد خدا شفیع و واسطه‌ی گناهکار و موجب نجات او از عذاب الهی شود، وجود ندارد و این تفکر ناشی از هواهای نفسانی آلوده و غلو نسبت به ائمه (ع) و تبلیغات دشمنان اسلام است که سبب شده مانند یهود بگویند: هرگز آتش [دوزخ در روز قیامت] جز چند روزی به ما نمی‌رسد. (آل عمران/ ۲۴)

آنان به جامعه مسلمانان به دلیل بی‌توجهی به آیات نافی شفاعت همچون آیات ۷۸ و ۸۷ / مریم، انتقاد کرده و می‌گویند: خدا با کسی «عهدی» ندارد. همچنین معتقدند آیات ۲۲ و ۲۳ / سبا، ۸۴-۸۶ / زخرف و آیات ۲۷ و ۲۸ / انبیاء نیز شفاعت در قیامت را نفی می‌کنند. (برقی، بی‌تا: ۳۷۲-۳۷۸)

اما وهابیون به دلیل پابندی به روایات منقول از پیامبر (ص)، شفاعت به معنای رایج آن در قیامت را پذیرفته و آن را به ایشان اختصاص می‌دهند و وجوب نماز شب بر پیامبر (ص) را سبب رسیدن به درجه مقام محمود یعنی شفاعت عظمی می‌دانند. (سعدی، ۱۴۰۸: ۹۳۴/۲ و عثیمین، ۱۴۲۴: ۵۴۰) و «عهد» را در آیه ۸۷ / مریم، ایمان به خدا و رسولش و شرط قبولی شفاعت دانسته و معتقدند شفاعت انبیاء و مرسلین و بندگان مقرب خدا که خدا از قول و عمل آنها به جهت ایمان خالصانه آنها راضی است، پذیرفته است. (سعدی، ۵، ۱۰۱۴-۱۰۴۵ و عثیمین، ۴۱۰ و ۴۸۳)

۲. ۳. ۵. برداشت متفاوت در تفسیر ظاهری

وهابیان شفاعت را در آیات قرآن، مطابق با معنای لغوی و اصطلاحی آن که مربوط به قیامت است تفسیر کرده‌اند و در این بخش با سایر مسلمانان اعم از شیعه و سنی مشترکند و آنچه در

آن اختلاف دارند، طریقه درخواست شفاعت در دنیا است که ناظر بر تعریف اشتباه آنها از عبادت است، لذا درخواست شفاعت را تنها از خدا جایز می‌دانند. اما قرآنیون شیعی، منکر معنای اصلی شفاعت هستند و شفاعت مصطلح در آخرت را به کلی قبول ندارند و آن را تعبیر به ابلاغ رحمت الهی کرده و شفاعت در دنیا را با استناد به آیات ۱۵۹/ آل عمران، نساء/ ۶۴، منافقون/ ۵، توبه/ ۱۱۳ و غافر/ ۷، به معنای استغفار برای بنده از سوی اولیاء خدا تلقی می‌کنند و شروط موجود در آیات شفاعت را به استغفار نسبت دادند.

-نتیجه

بررسی تطبیقی دو دیدگاه مدّعی تفسیر قرآن، نشان می‌دهد؛ قرآنیون شیعه با شعار بازگشت به قرآن، آیات «شفاعت» را نافی وساطت شفیعیان برای گناهکاران امت در قیامت تفسیر نمودند و وهابیون سنی که با شعار تبعیت از سنت پیامبر (ص)، سیره سلف را نصب العین خود ساختند، با وجود پذیرش مفهوم صحیح آن، هر گونه طلب شفاعت از غیر خدا را شرک می‌دانند.

هدف از این پژوهش، تحلیل و نقد مبانی فکری این دو فرقه، همراه با مقایسه تطبیقی دیدگاه تفسیری آنان نسبت به آیات شفاعت است که نتایج مهمی در پی دارد. از جمله اینکه؛ اولاً- آنها بر خلاف ادعا، در تفسیر آیات شفاعت، به آیات تبیین کننده استناد نکردند. ثانیاً- دیدگاه کلامی آنان بیشترین تاثیر را بر تفسیر آیات شفاعت گذاشت. ثالثاً- قرآنیون بدون رعایت مبنای تفسیری خود، واژه «شفاعت» را «استغفار» معنا کردند و سپس شرایط صحت شفاعت در آیات مربوطه را به استغفار اولیا در دنیا برای بندگان ارتباط دادند. رابعاً- برداشت اشتباه و متعصبانه وهابیون از مفهوم «عبادت» سبب شد، طلب شفاعت را نوعی پرستش و شرک بدانند. از تطبیق نظریات تفسیری دو گروه حول مسئله «شفاعت» و آشکار شدن نقاط مشترک و تفاوتها، بر می‌آید که ریشه چنین این نظریات انحرافی ناشی از روی گرداندن از عمل به توصیه نبوی، مبنی بر تمسک به قرآن و عترت، در مسیر کسب معارف و حیانی و نیز تعصّب بر تفکرات برخاسته از هوای نفس می‌باشد.

کتابنامه

-
- قرآن کریم، ترجمه: مکارم، ناصر، ۱ جلد، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ ۲، ۱۳۷۳ش
- نهج البلاغه، شریف رضی، ۱ جلد، ترجمه: دشتی، محمد، قم، ناشر: لقمان، چاپ ۴، ۱۳۷۹ش
- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی صدوق، ۱ جلد، تهران، ناشر: کتابچی، ۱۳۷۶ش
- _____، من لایحضره الفقیه، ۴ جلد، بیروت، ناشر: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ۶ جلد، بیروت، ناشر: دار لکتاب العلمیه، ۱۴۰۸ق
- _____، مجموعه فتاوی، ۱ جلد، بی نا، چاپ ۲، قاهره، ۱۴۲۱ق
- _____، دقائق التفسیر، ۶ جلد، دمشق، مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۰۴ق
- _____، زیارة القبور و الاستنجاء بالمقبور، ۱ جلد، طنطا، ناشر: دار الصحابه للتراث، ۱۴۱۲ق
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند ابن حنبل، ۱۴ جلد، جدّه، ناشر: دار المنهاج، بی تا
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ۹ جلد، بیروت، ناشر: دارالکتب العلمیه، چاپ ۱، ۱۴۱۹ق
- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ۲ جلد، بی تا،
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، ناشر: دارالعلم للطباعة للنشر و التوزیع، بی تا
- الهی بخش، خادم حسین، القرآنیون و شبهاتهم حول السنة، ۱ جلد، طائف، ناشر: مکتبة الصدیق، ۱۴۲۱ق

بابایی، علی اکبر، بررسی مکاتب و جریانهای تفسیری، ۱ جلد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ۱، ۱۳۹۱ش

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ۸ جلد، بی تا، بی جا

برقعی، سید ابوالفضل، تابشی از قرآن، ۴ جلد، بی تا، بی جا

بن باز، عبدالله، مجموعه فتاوی، ۱ جلد، ریاض، ناشر: دار الوطن، چاپ ۱، ۱۴۱۶ق

جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، ۶ جلد، قم، انتشارات هجرت، چاپ ۱، ۱۳۷۶ش

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ۵۲ جلد، قم، مرکز بین المللی نشر اسراء، ۱۳۸۰ش

حسینی طباطبایی، سید مصطفی، تفسیر بیان معانی در کلام ربّانی، pdf، بی تا

حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ۵ جلد، قم، ناشر: اسماعیلیان، چاپ ۴، ۱۴۱۵ق

راغب، حسین، مفردات الفاظ قرآن، ۱ جلد، بیروت، دار الشامة، چاپ ۱، ۱۴۱۲ق

رئسی، علی، نقد مبانی و آراء وهابیت از دیدگاه البوطی و حسن بن فرحان مالکی، علوی

مالکی و حسن سقاف، تهران، سازمان حج و زیارت، بی تا

رضوانی، علی اصغر، سلفی گری وهابیت و پاسخ به شبهات، ۱ جلد، قم، انتشارات مسجد

مقدس جمکران، ۱۳۸۸ش

سبحانی تبریزی، جعفر، تبریز، مجموعه مقالات اولین همایش ملی بررسی اندیشه‌های

علمی آیت الله سبحانی، ۱۳۹۹ش

_____، آیین وهابیت، ۱ جلد، قم، انتشارات اسلامی، چاپ ۷، ۱۳۸۶ش

_____، منشور جاوید، ۱۴ جلد، قم، ناشر: مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ ۵،

۱۳۹۰ش

سعدی، عبد الرحمن، التیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ۸ جلد، بیروت، ناشر:

ابن الجوزی، چاپ ۲، ۱۴۰۸ق

سید مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، ۴ جلد، قم، ناشر: دار القرآن

الکریم، ۱۴۰۵ق

سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، ناشر: بیدار، بی تا، بی جا

شریعت سنگلجی، محمد حسن، کلید فهم قرآن، ۱ جلد، ناشر: کتابخانه عقیده، تالیف ۱۳۲۰ش، سال نشر ۱۳۸۶ش، pdf

شعار، یوسف، مقدمات تفسیر، ۱ جلد، تبریز، انتشارات مجلس تفسیر، چاپ ۱، ۱۳۲۳ش
طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، بیروت، ناشر: مؤسسة
الاعلمی للمطبوعات، چاپ ۲، ۱۳۹۰ق

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱۰ جلد، تهران، ناشر: ناصر خسرو، چاپ ۳،
۱۳۷۲ش

طراد، مجید، المعجم المفصل فی المترادفات فی اللغة العربیة، ۱ جلد، بیروت، ناشر: دار
الکتب العلمیة، ۲۰۱۰ م

طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۱ جلد، قم، ناشر: دار الثقافة، ۱۳۷۲ش
_____، تهذیب الاحکام، ۱۰ جلد، ناشر: تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ ۴،
۱۴۰۷ق

_____، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی،
چاپ ۱، بی تا

طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴ جلد، تهران، ناشر: اسلام، چاپ ۲،
۱۳۶۹ش

عثیمین، محمد بن صالح، تفسیر القرآن الکریم، ۱ جلد، ریاض، ناشر: دار الثریا للنشر،
۱۴۲۴ق

فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ۳۲ جلد، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی،
چاپ ۳، ۱۴۲۰ق

قزوینی، محمد صالح، عیون اخبار الرضا، ۲ جلد، قم، ناشر: مسجد مقدس جمکران،
۱۳۸۹ش

قلمداران، حیدر علی، ارمغان آسمان، ۱ جلد، تبریز، ایران، بی تا
کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، ناشر: کتابفروشی الاسلامیة،
چاپ ۱، ۱۳۱۴ش

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ط-دار الحديث، ۱۵ جلد، قم، ناشر: دار الحديث، چاپ ۱، ۱۴۲۹ق

محمدی فام، حسین، قرآن بسندگی؛ تحلیل و نقد نظرات شریعت سنگلجی، برقی و حسینی طباطبایی، ۱ جلد، قم، ناشر: مؤسسه دارالاعلام المدرسه اهل البیت، چاپ ۱، ۱۳۹۸ش

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۳۴ جلد، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ش
نجمی، محمد صادق و هریسی، هاشم، شناخت قرآن، ۱ جلد، انتشارات اسوه، چاپ ۲، بیتا

مقالات

۱- نقد و بررسی دلایل ابوالفضل برقی بر مدعای قرآن بسندگی در تفسیر، محمدی فام، حسین و نبوی، مجید، فصلنامه مطالعات قرآن وحديث، ۱۳۹۷ش
۲- مقاله: نقد و بررسی ادله عقلی قرآنیون ایرانی در باب قرآن بسندگی، رحیمیان، ابطحی، ۱۳۹۷ش

۳- مقاله نقد و بررسی ادله قرآن بسندگان، منوچهری، فارسیان، ۱۳۹۷ش

Abstract

Despite the firm belief of Muslims in the "intercession" of the saints of Allah from sinners on the Day of Judgment, Shiite Quranists and Sunni Wahhabis tried to undermine this belief, which necessitated special attention to their intellectual and interpretative foundations. Their claim to revive monotheism by citing Quranic verses doubles the importance of this research. The purpose of this research, which was conducted using an analytical-descriptive method and according to library

documents, is to examine and analyze the foundations of the two views in the interpretation of the verses of intercession. Many Similarities Regarding the differences, it was shown that the main reason for the misconceptions was the lack of reliance on the narrations of the true interpreters of the Quran. The difference between these two groups is that the Quranists denied even the literal meaning of "intercession", while the Wahhabis, on the other hand, accepted the intercession of the Prophet (PBUH) on the Day of Judgment, citing the narrations of the Prophet (PBUH). However, both consider seeking intercession from saints to be polytheism.

خلاصة

على الرغم من إيمان المسلمين الراسخ بشفاعة أولياء الله للعصاة يوم القيامة، سعى كلٌ من الشيعة القرآنيين والوهابيين السنة إلى تقويض هذا الإيمان، مما استدعى دراسة متأنية لأسسهم الفكرية والتفسيرية. ويضعف ادعاؤهم إحياء التوحيد بالاستناد إلى آيات قرآنية من أهمية هذا البحث. ويهدف هذا البحث، الذي أُجري باستخدام المنهج التحليلي الوصفي وبالاستناد إلى الوثائق المكتوبة، إلى دراسة وتحليل أسس هذين الرأيين في تفسير آيات الشفاعة. أظهرت كثرة أوجه التشابه مقارنةً بالاختلافات أن السبب الرئيسي للمفاهيم الخاطئة هو عدم الاعتماد على روايات المفسرين الصحيحين للقرآن. ويكمن الفرق بين هاتين المجموعتين في أن القرآنيين أنكروا حتى المعنى الحرفي لكلمة "شفاعة"، بينما قبل الوهابيون، مستندين إلى أحاديث النبي (صلى الله عليه وسلم)، بشفاعته يوم القيامة، لكن كليهما تعتبران طلب الشفاعة من الأولياء شركاً.